

باسمه تعالی

۲..... **اوامر**۲..... **صیغه امر**۲..... **معنای صیغه امر**

۲..... مطلب اول: اشکال ثبوتی ظهور صیغه امر در وجوب.....

۲..... اشکال اثباتی ظهور وضعی امر در وجوب.....

۲..... انسباق انصرافی و اطلاقی وجوب از صیغه امر.....

۳..... **مطلب دوم: بررسی نزاع بین مرحوم آخوند با صاحب معالم**.....

۳..... ظهور رخوت آمیز صیغه امر در وجوب.....

۴..... نقد دلیل حلی مرحوم آخوند.....

۵..... **تنظیر به کثرت تخصیص عام**.....

۵..... **مناقشه اول: تعدد دال و مدلول مانع ایجاد مجاز در عام مخصص**.....

۵..... **مناقشه دوم: عدم ایجاد انس ذهنی در عام مخصص**.....

۶..... **منشا ظهور صیغه امر در وجوب**.....

۶..... **جهت سوم: ظهور جمله خبریه در وجوب**.....

موضوع: ظهور صیغه امر در وجوب / صیغه امر / اوامر**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل گفته شد مرحوم آخوند قائل به ظهور وضعی صیغه امر در وجوب است به این مناسبت وارد بحث ثبوتی اخذ قید وجوب در معنای صیغه امر شدیم. یک اشکال عمومیت داشت و نسبت به ماده امر نیز مطرح شد که در بحث ماده امر جواب داده شد. اشکال دیگر منحصر به صیغه امر بود. گفته شد صیغه امر معنای حرفی دارد و معنای حرفی جزئی است و معنای جزئی قابل تضییق نیست فلذا نمی توان طلبی که معنای صیغه امر است مضیق به وجوب شود. استاد فرمود اولاً این که نتوان معنای حرفی را تضییق کرد اول کلام است و ثانیاً بر فرض که جزئی باشد در صورتی که از اول معنای حرفی را مضیق ایجاد کرده باشیم مشکلی ندارد.

اوامر

صیغه امر

معنای صیغه امر

مطلب اول: اشکال ثبوتی ظهور صیغه امر در وجوب

بعضی مدعی شدند که صیغه امر امکان ندارد که در وجوب ظهور داشته باشد زیرا صیغه امر معنای حرفی دارد و معنای حرفی جزئی است و معنای جزئی قابلیت تضییق را ندارد فلذا نمی‌شود که معنای طلب را به وجوب مقید کرد. در جواب گفتیم اولاً معنای حرفی قابل تضییق نباشد اول کلام است بلکه مرحوم آخوند قائل کلی بودن معانی حروف است چه رسد به این که نتوان معنای جزئی را تضییق کرد حال یا معنای حرفی کلی است یا جزئی است که قابل تضییق است قبلاً مباحثش گذشت. ثانیاً بر فرض که بپذیریم معنای حرفی قابل تضییق نیست در جایی است که معنای حرفی را ایجاد کرده باشیم و بعد بخواهیم آن را تضییق کنیم اما اگر از اول معنای حرفی را مضیق ایجاد کنیم اشکال ندارد.^۱

نتیجه: از لحاظ ثبوتی اشکالی وجود ندارد که صیغه امر ظهور در وجوب داشته باشد.

اشکال اثباتی ظهور وضعی امر در وجوب

مرحوم آخوند فرمود به خاطر تبادر ما معتقدیم صیغه امر ظهور در وجوب دارد فلذا صیغه امر وضعاً دلالت بر وجوب می‌کند. البته تأییدی نیز برای ظهور وضعی مطرح کردند که صحت احتجاج بود.

انسباق انصرافی و اطلاق وجوب از صیغه امر

این که مرحوم آخوند فرمود تبادر علامت وضع صیغه امر در وجوب است دلیل ندارد و نیاز به اثبات دارد زیرا مطلبی که قابل پذیرش است این است که صیغه امر ظهور در وجوب دارد اما آیا این ظهور از حاق لفظ است یا به خاطر انصراف است و یا به خاطر مقدمات حکمت است؟ فلذا باید گفت ظهور با هر سه منشا سازگار است و چون دو احتمال دیگر در مقابل تبادر وجود دارد نمی‌توان ادعای تبادر را از مرحوم آخوند پذیرفت. (مشکل غالبی تبادر همین مطلب است که از لحاظ صغروی نمی‌توان اثبات کرد انسباق از حاق لفظ است.)

Commented [سیدمحمدت۱]: تبادر از حاق لفظ وجود دارد نمی

توان از تبادر ادعا شده توسط مرحوم آخوند حاقی بودن را ثابت کرد.

Commented [سیدمحمدت۲]: شاید عبارت اشکال داشته باشد

^۱ در بحث مفهوم شرط مرحوم آخوند به این مطلب اشاره می‌کند و در بحث واجب مشروط نیز این بحث را مطرح کرده است.

اما این که تأیید به صحت احتجاج را مطرح کرد درست نیست و اصل این که تأیید باشد صحیح نیست زیرا صحت احتجاج اعم از ظهور وضعی است. و صحت احتجاج موید اصل ظهور است و حجت است و صحت احتجاج کاشف از تمامیت بیان است اما این که بیان به چه نحوی است (وضع و انصراف و اطلاق) اصلاً کشفی ندارد.

نتیجه: ظهور وضعی صیغه امر در وجوب دلیل ندارد.

مطلب دوم: بررسی نزاع بین مرحوم آخوند با صاحب معالم

ظهور رخوت آمیز صیغه امر در وجوب

صاحب معالم فرمود: ما قبول داریم که از لحاظ لغت و عرف صیغه امر ظهور در وجوب دارد اما به خاطر کثرت استعمال صیغه امر در شریعت در موارد استحباب این ظهور از بین رفته است و به مرحله مجاز مشهور رسیده است فلذا استعمال صیغه امر در غیر معنای موضوع له، لا اقل صلاحیت برای قرینه شدن را دارد و صیغه امر مجمل می شود.

در یکی از مناقشات، مرحوم آخوند فرمود ما قبول نداریم که صیغه امر کثرت استعمال در وجوب نداشته باشد زیرا در شریعت خیلی از واجبات با صیغه امر بیان شده است و اگر بیشتر از مستحبات نباشد لا اقل کثرت استعمال در وجوب را دارد فلذا استعمال صیغه امر در استحباب خدشه ای به ظهورش در وجوب وارد نمی کند.

به نظر ما نه ادعای صاحب معالم درست است و نه ادعای مرحوم آخوند صحیح است زیرا این که صاحب معالم گفت صیغه امر اصلاً ظهور در وجوب ندارد درست نیست زیرا از این جهت که خیلی از واجبات با صیغه امر بیان شده است (و این ادعای مرحوم آخوند صحیح است) هنوز ظهور صیغه امر در وجوب را نمی توان انکار کرد. و از طرفی مرحوم آخوند فرمود استعمال صیغه امر در مستحبات اصلاً تأثیری در ظهور صیغه امر در وجوب نداشته است مقبول نیست زیرا واقعا از استعمال صیغه امر در مستحبات برای ظهور داشتن صیغه امر در وجوب سستی و رخوتی حاصل شده است و آن اطمینانی که از ظهور صیغه امر در وجوب داشتیم متزلزل شده است. نتیجه این تزلزل این است که اگر نکته ای بر خلاف وجوب نبود ما صیغه امر را حمل بر وجوب می کنیم مثلاً این که شارع فرموده است در روز ایستاده آب بخورید نکته ای بر خلاف وجوب وجود دارد و آن عبارت است از این که این فعل مصلحت لزومی ندارد که منجر به وجوب شود اما اگر چنین نکته ای نباشد حمل بر وجوب می شود.

اما بنا بر ادعای مرحوم آخوند که فرمود خللی در ظهور صیغه امر در وجوب ایجاد نمی شود ایشان اوامر را خیلی راحت باید حمل بر وجوب کند فلذا در مواردی که مشهور صیغه امری را در موردی حمل بر استحباب کرده باشند مثل کسی که شهرت را قبول نداشته باشد در این موارد مشکل برایش به وجود می آید از یک طرف ظهور صیغه امر در وجوب ثابت است و از طرفی

شهرت حجیت ندارد فلذا یا حکم به وجوب و حرمت و یا لا اقل حکم به احتیاط داده می‌شود. اما صاحب معالم هر وقت با صیغه امر مواجه شود باید بگوید مجمل است و قدر متیقن طلب است و نسبت به وجوب برائت جاری کند. البته گفته شد ایشان قاعدتا نباید چنین روشی نسبت به اوامر وارده در شریعت داشته باشد و بعید است بلکه اطمینان داریم که چنین عملی در فقه ندارد.

نقد دلیل حلی مرحوم آخوند

مرحوم آخوند در جواب حلی صاحب معالم فرمود هر مجاز مشهوری باعث اجمال نمی‌شود زیرا مجاز مشهور گاهی اوقات با قرینه است و گاهی اوقات بدون قرینه است. مجاز مشهوری که با قرینه باشد موجب اجمال نمی‌شود یعنی صیغه امر همیشه با قرینه ای بر ندب استعمال شده است و این باعث نمی‌شود که هر وقت صیغه امر وارد شد و قرینه ای نبود ظهور در وجوب نداشته باشد. و نکته این مطلب نیز عبارت بود از این که انس ذهنی بین ذات لفظ (بدون قرینه) با معنای جدید حاصل نمی‌شود. بر خلاف مواردی که مجاز مشهور بدون قرینه است که انس ذهنی بین ذات لفظ و معنای جدید حاصل می‌شود و لفظ در معنای اول ظهور ندارد.

به نظر می‌آید که مطلب مرحوم آخوند مشکل و چالش صاحب معالم را حل نمی‌کند زیرا تحقق مجاز مشهور و ریشه مجاز مشهور این است که مسحوب با قرینه باشد یعنی از اول مجاز مشهور با قرینه آغاز می‌شود و این استعمال لفظ با قرینه سبب می‌شود که بین معنای جدید و لفظ انس برقرار شود پس انس چه با قرینه و چه بدون قرینه حاصل می‌شود فلذا به تدریج قرینه حذف می‌شود مثلاً مولایی هر وقت دستور به آب آوردن داشت کلمه آب را در حصه خاصی مانند سرد بودن استعمال می‌کرد در ابتدا قید سرد بودن را همیشه با آب می‌آورد ولی بعد مدتی به خاطر انس ذهنی عبد بین آب و سرد بودن دیگر نیازی به آوردن قید سرد بودن نمی‌بیند فلذا مجاز مشهور در حصه خاصی می‌شود فلذا این که مرحوم آخوند فرمود در مجاز مشهور همراه با قرینه موجب مجاز مشهور نمی‌شود درست نیست. و انس ذهنی در مجاز مشهوری که همراه با قرینه است بین ذات لفظ و معنای جدید حاصل می‌شود. و اصلاً در ابتدا با هر مجاز مشهوری قرینه وجود دارد. بله ما قبول داریم که استعمال بدون قرینه اگر منجر به مجاز مشهور شود واضحتر است که سبب اجمال می‌شود.

تنظیر به کثرت تخصیص عام

مرحوم آخوند مطلب خودشان را به بحث کثرت تخصیص عام تنظیر کرده بودند و فرمودند عام با این که کثرت تخصیص دارد ولی ظهور عام در عموم خدشه دار نشده است و این بحث از قسم مجاز مشهوری است که همراه با قرینه بوده است. این مطلب از دو زاویه قابل مناقشه است.

مناقشه اول: تعدد دال و مدلول مانع ایجاد مجاز در عام مخصص

این که مرحوم آخوند بحث مجاز مشهور صیغه امر را به کثرت تخصیص عام قیاس کرده است درست نیست و در حقیقت قیاس مع الفارق است زیرا اگر خاص منفصل باشد که ربطی به مجازیت و یا حقیقت عام در عموم ندارد و تنها مراد جدی را ضیق می‌کند تا بحث کثرت استعمال مطرح شود و اگر خاص متصل باشد اگر محل اختلاف است که باعث مجازیت می‌شود یا نه. ولی مرحوم آخوند معتقد است که خاص متصل ربطی به مجاز بودن عام ندارد زیرا طبق مبنای مرحوم آخوند وقتی گفته می‌شود اکرم کل عالم الا الفساق منهم هر کلمه در معنای حقیقی خودش استعمال شده است و نکته این مطلب تعدد دال و مدلول است و اصلاً بحث مجازی بودن و اجمال مطرح نیست فلذا گفته می‌شود نزاع بین مرحوم آخوند و صاحب معالم بر مبنای مجازیت صیغه امر است اما در عام مخصص اصلاً مجازیتی در کار نیست و استعمال در غیر موضوع له نیست اما استعمال صیغه امر در ندب استعمال در غیر موضوع له است. و قیاس مع الفارق است.

مناقشه دوم: عدم ایجاد انس ذهنی در عام مخصص

علاوه بر این بحث عامی که تخصیص زده شده است با بحث صیغه امر متفاوت است (بر فرض که عام مخصص نیز مجاز باشد) زیرا در بحث عامی که تخصیص زده می‌شود هیچ گاه بین عام و معنای خاص انس ذهنی ایجاد نمی‌شود چون یک بار عالم به فاسق تخصیص زده می‌شود و بار دیگر به فلاسفه تخصیص زده می‌شود و هکذا.... اما در صیغه امر این گونه نیست زیرا صیغه امر یک امر وحدانی است یعنی یک صیغه امر وجود دارد که در یک معنای مجازی استعمال شده است فلذا انس ذهنی بین صیغه امر و ندب حاصل می‌شود. ولی در عامی که تخصیص زده شده است امر وحدانی نیست و در هر استعمال و تخصیص یک معنایی که متفاوت با معنای دیگری است، اراده شده است پس و لو این که استعمال عام مجازی است ولی انس ذهنی بین عام و معنای مجازی حاصل نمی‌شود و سبب اجمال نمی‌شود.

Commented [سیدمحمدت۲]: ظاهراً اضافه است

منشا ظهور صیغه امر در وجوب

تا این جا به این مطلب رسیدیم که صیغه امر برای وجوب وضع نشده است بلکه ظهور در وجوب دارد حال بحث این است که این ظهور به چه کیفیتی ایجاد شده است. آیا انصرافی است یا اطلاقی است؟ و این بحث چون ثمره دارد و ثمره آن در جهت رابع مطرح شده است و مرحوم آخوند نیز در آنجا به این مطلب می پردازد ما نیز به تبع ایشان در آنجا به بررسی این بحث می پردازیم.

جهت سوم: ظهور جمله خبریه در وجوب

غالباً ابزار استنباط سه چیز است:

۱- ماده امر

۲- صیغه امر (غالب موارد از این نوع است)

۳- جمله های خبریه ای که درمقام انشاء است.

بحث در این است که جمله های خبریه ای که در شریعت وارد شده است ظهور در وجوب دارد یا مجمل است؟ بعضی معتقدند که در چنین مواردی جمله خبریه مجمل می شود. زیرا در این صورت معنای حقیقی اراده نشده است چون کذب پیش می آید و از طرفی معنای مجازی متعدد است زیرا ممکن است طلب وجوبی باشد و یا طلب ندبی باشد و یا اصل طلب باشد حال اگر یکی از آنها اقرب به معنای حقیقی بود همان را اخذ می کنیم اما در محل بحث اقرب نداریم چون با هر سه احتمال سازگار است فلذا اگر مساوی بودند چون اخذ به هر کدام ترجیح بلامرجح است مجمل می شود.

در مقابل مرحوم آخوند می فرماید ظهور در وجوب دارد که در جلسه آینده بیان خواهد شد.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۷۱.